

گزارش مؤلف

فقه در محک زمانه

در تبیین فلسفه فقه

عبدالحسین خسروپناه

موضوع اصلی این کتاب فلسفه فقه است، در پاسخ به این سؤال که فلسفه فقه، به چه معنایی در کتاب آمده است؟، باید گفت: فلسفه فقه در جایگاه دانشی نوپا در جامعه علمی و حوزوی، اهمیت خاصی دارد. بر همه فقیهان دوران معاصر لازم است تا در این وادی جدید گام گذاشته و پرسش‌های مهم آن را پاسخ گویند؛ زیرا بخش مهمی از مشکلات فقه و حقوقی نظام اجتماعی ما مرهون این چالش‌هاست. بنابراین، در این کتاب درصدد آن هستیم تا به پاره‌ای از چالش‌های فلسفه فقه بپردازیم.

درباره چیستی فلسفه مضاف گفتنی است، امروزه در کنار هر علمی، فلسفه آن علم نیز مطرح است که از آن به عنوان «فلسفه مضاف» یاد می‌شود. هر علمی می‌تواند فلسفه داشته باشد؛ مانند فلسفه فیزیک، فلسفه شیمی، فلسفه زیست‌شناسی، فلسفه روان‌شناسی، فلسفه جامعه‌شناسی، فلسفه اقتصاد، فلسفه ریاضیات، فلسفه منطق، فلسفه فقه، فلسفه کلام، فلسفه اخلاق و ... حتی دانشی به نام فلسفه فلسفه نیز داریم؛ چون فلسفه هم خودش یک دانش است. به همه این فلسفه‌ها از آن جهت که مضاف الیهی برای آن‌ها آورده شده است، «فلسفه مضاف» می‌گویند. اگرچه مضمون فلسفه‌های مضاف از گذشته وجود داشت و امر تازه‌ای نیست؛

اشاره

کتاب فقه در محک زمانه به قلم حجت‌الاسلام عبدالحسین خسروپناه، در حوزه فلسفه فقه است که به همت کانون اندیشه جوان به‌زودی منتشر می‌شود. متن حاضر گزارشی از این کتاب به قلم مؤلف است.



اما به عنوان دانشی مستقل عمر چندانی ندارد. درباره فلسفه فقه گفتنی است، از آن جایی که فقه نیز یک علم است، در کنار فقه، دانشی به نام فلسفه فقه شکل می‌گیرد. فلسفه فقه در جایگاه یکی از فلسفه‌های مضاف و علوم درجه دوم، به مبانی نظری و تحلیلی درباره فقه می‌پردازد و مبادی و پیش‌فرض‌های تصویری و تصدیقی و روش‌شناختی آن را تنقیح می‌کند. به عبارت دیگر، فلسفه فقه یا علم‌شناسی فقه دانشی است که در مقام علم ناظر، به فقه نظر می‌کند و به تحقیق موضوع، محمول، مسائل، مبادی، مقدمات، غایات، طرق روش‌شناختی فقه و ارتباط‌های آن با علوم و پدیده‌های دیگر می‌پردازد. به عبارت دقیق‌تر، فلسفه فقه، دانشی است که به مبانی نظری فقه به معنای مجموعه گزاره‌هایی که موضوعش فعل انسان مکلف، و محمولش احکام تکلیفی و وضعی است، می‌پردازد. به عبارت ساده‌تر، فیلسوف فقه، فقه را به عنوان یک پدیده از منظر بیرونی مورد شناسایی قرار می‌دهد و به دنبال پاسخ برای پرسش‌هایی از این قبیل است: فقه چیست؟ از کجا پدید آمد؟ چه تغییر و تحولاتی داشته است؟ مبانی و پیش‌فرض‌های آن چیست؟ از چه روشی می‌توان در فقه مدد گرفت؟ و...

کتاب فقه در محک زمانه پاسخی در آرا و نظرات دکتر عبدالکریم سروش در مورد فقه اسلامی است و تحقیقات فلسفه فقه و مسائل آن که در کتاب فقه در محک زمانه خواهد آمد، در فقه و مسائل فقهی و فعالیت فقیهان تأثیر فراوانی می‌گذارد. برای نمونه، حداکثری یا حداقلی دانستن فقه با ارائه نظریه در باب چیستی حکم، در فقه الحکومه و نیز اجتماع امر و نهی مؤثر است؛ مثلاً اگر ماهیت حکم یک امر اعتباری باشد، ممکن است در جمع امر و نهی قابل جمع باشند؛ اما اگر ماهیت حکم واقعی باشد، امر و نهی تنافی ذاتی خواهند داشت. هم‌چنین فلسفه فقه نگاه نقادانه به فقیه عطا می‌کند و در کشف کاستی‌ها و راه حل آن به او مدد می‌رساند؛ زیرا فلسفه فقه مقایسه‌ای بین فقه موجود و فقه بایسته؛ یعنی بین فقه، آن‌گونه که هست با فقه آن‌گونه که باید باشد، انجام می‌دهد و به کشف چالش‌ها و کاستی‌ها می‌پردازد. افزون بر آن، ایضاح مبادی و پیش‌فرض‌های تصویری علم فقه و اثبات مبادی تصدیقی آن را به عهده دارد. به عبارت دیگر، فلسفه فقه مشخص می‌کند که علم فقه بر چه پیش‌فرض‌هایی مبتنی است. به عنوان نمونه، می‌توان از پیش‌فرض‌های معرفت‌شناختی نام برد. فقها معتقدند وحی هم مانند حس، عقل و شهود یک سلسله اطلاعات از عالم واقع در اختیار ما قرار می‌دهد. آنان این واقع‌نمایی علم و انکشاف از واقع علم را به وسیله وحی، ارسال مسلم گرفته‌اند.

